

# ... مدّتی بود که مانند مرغان بی لانه و آشیانه آواره اقالیم...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۸۵

... مدّتی بود که مانند مرغان بی لانه و آشیانه آواره اقالیم شاسعه بودم گهی در اوج جبال و تلال و گهی در  
حضیض وادی و بوادی پویان ولی بنیه ناتوان، باوجود این از کران تا به کران در ممالک امریک و اوروپ سیر  
و حرکت شد و باوجود عجز و ضعف در اکثر محافل و مجامع حاضر و با نطق قاصر اعلان ظهور مجلّی طور  
میگشت و تعالیم حضرت دوست تصریح و تفصیل می شد.\*\*\*

در بوداپست مزاج ابداً ابتهاج نداشت جسد علیل و نوازل صدریه شدید و تب عصبی پی در پی و هوا در نهایت  
سردی باوجود این در هر روز و شب در سه محفل و مجامع عظمی نطق میشد این ماعدای سؤال و جواب با  
دیگران در منزل. علی‌الخصوص شبانه به محلی میرفتیم که صد و بیست پله داشت از سنگ مرمر نظیر زمهریر بود  
با نهایت ناتوانی و خستگی صعود میشد و دو ساعت متماداً نطق و بیان میگشت و اعلاء کلمه الله میگشت و  
نطق ترجمه مفصل میشد باوجود این زحمت و مشقت در نهایت مسرت بودم که ایام به اشتغال امور دیگر  
نمیگذشت و پی در پی تأییدات جمال مبارک میرسید جز تبلیغ کلمه‌ای از لسان صادر نمیشد لکن جسد ابداً  
تحمّل این مشقت نمینمود و کلیّی به تحلیل رفت و چون به اقالیم مصر رسیدم ضعف و ناتوانی و انحلال و تب  
عصبی استیلائی تامّ یافت لهذا ایامی چند به سکوت گذشت به مجرد خفت مرض و حصول ادنی قوت به تحریر  
پرداختم و به آن روح مجرد نامه مینگارم که جمیع بدانید امروز تبلیغ مؤید و موفق است و مادون آن سبب  
کدورت و نحوودت و جمودت الی ابدالآباد. لهذا احبّای الهی باید روش این عبد فانی گیرند و هر امری را  
فراموش کنند و مانند نفوس مقدّسه که به صحرای فدا شتافتند و در قربانگاه رقص کمان جانبازی نمودند همین



ORIGINAL



AUDIO

قسم از هر فکری و از هر ذکری بیزار گردند و به عبودیت آستان مقدّس پردازند و منقطعاً الی الله و منجذباً  
بنفحات الله و مستبشراً ببشارات الله ندای به ملکوت ابهی فرمایند و علیک البهاء الابهی\*\*.\*\* عبدالبهاء عباس

